

## تأثیرات مثبت و منفی نظامیه ها

سعید مرادی

مشاور دبیرستان دوره اول استعدادهای درخشان شهید احمدی روشن، شهرستان قروه، استان کردستان، ایران

### چکیده

تأسیس مدارس نظامیه با برخی ویژگی های انحصاری در آغاز نیمه دوم قرن پنجم، توسط خواجه نظام الملک طوسی- وزیر سلجوقیان که خود از علماء و نویسندهای آن دوره به شمار می رفت- تأثیرات مثبت و منفی مهمی در قلمرو اسلام ایجاد نمود که از جهات مختلف قابل بررسی است. این مقاله تلاش دارد که این تأثیرات مثبت و منفی را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

**واژه های کلیدی:** خواجه نظام الملک طوسی، نظامیه، سلجوقیان، آموزش.

## ۱- مقدمه

نیمه‌ی دوم قرن پنجم هجری سرآغاز عصر جدید و دورانی شکوفایی در تأسیس مدارس اسلامی گردید و با ابتکار خواجه نظام الملک طوسی (م ۴۸۵ ه ق)، وزیر دانشمند سلجوقی مدارسی شکل گرفت که چه در زمان حیات خواجه یا پس از آن مهم ترین نهادهای علمی و آموزشی دنیای اسلام به حساب می‌آمد، به طوری که این مدارس چه در مرکز دولت مقتصدر سلجوقی یعنی اصفهان یا مرکز خلافت عباسی مرکز خلافت عباسی چون بغداد و یا شهرهای مهم آن زمان مثل نیشابور، بصره، آمل، مرو، هرات، بیت المقدس، حلب، دمشق، خوارزم، قونیه و ... تأسیس شد و به زودی رشد قابل توجهی یافت. به طوری که فاصله زمانی سده پنجم تا سده هفتم هجری دوره درخشان فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه تأسیس مدارس و مراکز آموزشی در جهان اسلام است. این نهضت بی سابقه فرهنگی که با تأسیس مدارس با آوازه نظامیه به خصوص نظامیه بغداد در سال ۴۵۹ هجری (ابن فوطی، ۵۳) آغاز شد با تأسیس مدرسه بزرگ مستنصریه بغداد در سال ۶۳۱ هجری (ابن خلکان، ۱۸۰/۲) به اوج رسید. این نهادهای آموزشی علاوه بر آن که در دنیای اسلام موجب تحولی شگرف در زمینه تأسیس و گسترش دامنه‌ی فعالیت مراکز علمی گردید، از نظر نظام اداری و آموزشی و تأثیر در برخی از رشته‌های علمی، سرمشقی شد برای دارالعلم‌های قدیم اروپایی که بسیاری از مقررات آن در دانشگاه‌های آن دیار معمول و متبع گردید. مدرسه‌تا سه قرن اولیه هجری وجود نداشت و علوم دینی و ادبیات در درجات متوسط و عالی صرفاً در مساجد تعلیم می‌شدند. نخستین مدرسه مستقل را ناصرکبیر در اوخر قرن سوم هجری در آمل، جنب آرایشگاه خویش برپا کرد و سال‌ها در آن به تدریس پرداخت. ((ناصر کبیر به طاعت مشغول بود و در حوالی آن موضع که حالا مشهد مبارک اوست (آمل) مدرسه بنیاد کرد و آن مدرسه در این چند مدت آبادان بود و آنجا ساکن شد و با مردم به شرع زندگانی می‌کرد و از اطراف جهان مردم برای استفتا علوم رو به حضرت او نهادند و از او علم و فقه و حدیث می‌آموختند.))<sup>۱</sup> در قرن پنجم هجری قمری با بنای نظامیه بغداد نمونه کاملی از مدارس اسلامی برپا و برقرار می‌گردد. این مدرسه یکی از میراث‌های خواجه نظام الملک طوسی و از جمله بزرگترین و مشهورترین مدارس تمدن اسلامی بود که در اوایل نیمه دوم قرن پنجم هجری تأسیس شد و برای مدت حدوداً سه قرن دوام آورد. بنای مدرسه که در سال ۴۵۹ هجری قمری پایان می‌یابد دارای کتابخانه معتبر، بازار و موقوفات متعددی بوده است که از محل عواید این موقوفات مخارج تحصیل طلاب تأمین می‌شده است، بعد از نظامیه بغداد در نیشابور، اصفهان، هرات و بلخ هم مدارسی تحت این نام و عنوان برپا می‌گردد. ایرانیان در ایجاد مدارس تعلیمی بر همه ملل اسلامی سمت تقدم دارند و در این مورد از قرن چهارم هجری شروع به کار کردند. تاریخ بناء مدارس را در ایران باید به دو دوره تقسیم کرد. دوره پیش از ایجاد نظامیه‌ها به وسیله نظام الملک طوسی و دوره بعد از آن. در دوره مقدم بر عهد نظام الملک مدارس دارای تشکیلات وسیع و انتظاماتی از قبیل وظایف استادان و شاگردان و خادمان و شعبی مانند کتابخانه و دارالشفاءها و مستمری برای معلمان و طالبان علم و خدام و کارکنان دیگر نبود ولی از دوره ایجاد نظامیه بغداد به همه این امور توجه کردند. مدارسی که نظام الملک حسن بن علی طوسی وزیر مشهور سلجوقیان و صاحب کتاب ((سیاستنامه)) در نیشابور و بغداد و شهرهای دیگر ایجاد کرد همه به نام نظامیه موسوم بود. پیش از آنکه نظامیه بغداد ساخته شود نظام الملک در نیشابور مدرسه‌ی ساخت که به نام وی نظامیه خوانده شد. بنای این مدرسه برای امام‌الحرمین ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله الجوینی صورت گرفت و امام‌الحرمین آنجا به تدریس نشست و سال بین کار مشغول بود و در طی این مدت تدریس و خطبه روز جمعه و محراب و منبر و مناظره را انجام میداد و هر روز ۳۰۰ تن از دانشمندان و طالبان علم و اولاد بزرگان برای استفاده از درس حاضر میشدند (طبقات الشافعیه، صص ۲۵۹-۲۵۲).

## تأثیرات مثبت نظامیه‌ها

<sup>۱</sup> سید ظهیر الدین سید بن نصیر الدین المرعشی، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۳۵۸

از فحوای متون تاریخی چنین استنباط می‌شود که مدارس نظامیه نه تنها در میان طالبان علم و دانشمندان از جایگاه رفیع و تأثیرگذاری برخوردار بود، بلکه در میان طبقات مختلف مردم صاحبان مشاغل و حرفه و حتی در میان دولتمردان سیاسی و حکومتی نیز از جایگاهی بس رفیع و تأثیرگذار برخوردار بود که همین ویژگی سبب شده بود تا این مدارس منشأ تأثیرات مثبت و مفید فراوانی از نظر رشد و توسعه علوم دینی و تأسیس مراکز علمی بی‌شماری گردد، به‌گونه‌ای که در کمتر دوره‌ای از ادوار تاریخ می‌توان همانندی برای آن یافت.

## ۱- نهضت تأسیس مدارس دولتی و ملی

گرچه پیش از نظام الملک نیز مراکزی برای تعلیم و تعلم ساخته شده بود، بنا به شواهد تاریخی فراوان، سابقه تأسیس مدرسه در بلاد خراسان به نیمه اول قرن چهارم باز می‌گردد.<sup>۲</sup> بعضی از نویسنده‌گان قدیم هم وجود مدارسی را پیش از نظام الملک تأیید می‌کنند. سیکی صاحب ((طبقات الشافعیه)) ضمن بیان احوال نظام الملک آنجا که از بنای مدرسه نظامیه بغداد سخن به میان آورده چنین نکاشته است: ((نظام الملک مدرسه‌ی در بغداد و مدرسه‌ی در بلخ و نیشابور و هرات و اصفهان و بصره و مرو و آمل طبرستان و موصل بنا کرد و گویند که او را در هر شهر از شهراهی عراق و خراسان مدرسه‌ئیست و ازین گذشته بیمارستانی در نیشابور و رباطی در بغداد بنا نهاده است. استاد ما ذهبی (صاحب کتاب مشهور تاریخ الاسلام) چنین پنداشته است که نظام الملک نخستین بانی مدارس است ولی این سخن بصواب نزیک نیست زیرا در نیشابور پیش از تولد نظام الملک مدرسه بیهقیه وجود داشت و مدرسه دیگری بنام سعدیه در نیشابور که امیر نصر بن سبکتکین برادر سلطان محمود آنگاه که والی نیشابور بود آنرا بنا نهاد و باز مدرسه دیگری در نیشابور از بناهای ابوسعید اسماعیل بن علی بن المثنی استرآادی واعظ و صوفی وجود داشت و مدرسه چهارمی هم در نیشابور که استاد ابواسحق اسفراینی بنا کرد و در شرح احوال استاد ابواسحق گفته اند که پیش از بنای مدرسه او مدرسه‌ی مانند آن نساخته بودند و این خود گفتار صریحی است در اینکه پیش از اسفراینی مدارسی در نیشابور بنا شده بود و من چون در این باب نیک بیندیشیدم این فکر بر من غلبه یافت که نظام الملک نخستین کسی است که برای طلاب راتبه‌ی مقرر و مقدور داشته است زیرا بر من ثابت نیست که پیش از نظام الملک راتبه‌ی برابر طالبان علم مقرر شده باشد و به احتمال چنین کاری تا روزگار نظام هیچگاه صورت نگرفت)) (طبقات الشافعیه، ۱۲۹۹، ص ۱۳۶). همانطور که از سخنان سبکی برداشت می‌شود پیش از نظام الملک تنها امری که در مدارس معمول نبود تعیین راتبه و نفقه برای طالبان علم بود. مرحوم کساپی در خصوص علت انتساب نظام الملک به عنوان اولین بنیانگذار مدارس اسلامی می‌نویسد: ((از متون اسلامی و گفته‌ی غالب تذکره نویسان چنین بر می‌آید که تأسیس مدارس خواه به وسیله‌ی دانشمندان اسلامی و خواه از طرف شاهان و خلفاً و ارکان دولت، همه جنبه‌ی خصوص و ملی داشته است نه دولتی؛ ثانیاً تعداد آن محدود و برای تدریس یک دانشمند، یا یک فقیه و استفاده‌ی محدودی از طلاب دایر می‌شده است؛ ثالثاً راتبه و مستمری مدرسان و طلاب اگر هم ساقه داشته، تقریباً نادر و استثنایی بوده و از محل هزینه‌ی شخصی و موقوفات خصوصی افراد خیرخواه تأمین می‌شده است؛ اما خواجه نظام الملک نخستین وزیر و رییس دولتی بود که با موافقت پادشاه وقت، در تمام شهرها و بلاد اسلامی تحت سلطه‌ی خویش مدرسه دایر نمود. به دستور او ظرف یک سال، هفتاد مدرسه در بلاد اسلامی تأسیس گردید و عشر درآمد مملکت را به تأسیس مدارس اختصاص داد؛ بنابراین، دعوی کسانی که نوشته اند خواجه نظام الملک نخستین کسی بود که به تأسیس مدارس در سالام نمود، کاملاً صادق و خبری قابل قبول و بدون اغراق است. چون تأسیس مدارس در سطح کشور و آن هم با هزینه دولت تا زمان خواجه نظام الملک امری بدیع و بی‌سابقه بوده است)) (کسانی، ص ۷۶؛ بنابراین مدارس نظامیه اولین مدارسی بوده‌اند که به صورت شبانه‌روزی اداره می‌شده و برای طلاب و دانشجویان خود شهریه معین و مدواومی مقرر نموده و امکانات رفاهی همانند کتابخانه، بیمارستان و مسجد فراهم می‌کرده‌اند. غنیه می‌نویسد: تنظیم برنامه شبانه‌روزی برای مدارس و درنظر گرفتن مسکن و مدد معاش و حقوق و مستمری و تأمین هزینه‌های تحصیلی برای استادان و

<sup>۲</sup> رساله قشیریه ص ۱۸

دانشجویان موجب شد که دانش و دانشمندی و دست‌اندرکاران امور علمی از نوعی استقلال مالی در زندگی برخوردار شوند و از بابت تأمین مخارج خوراک و مسکن آسوده خاطر گردند و فرصت یابند که با فراغ بال و آسودگی خیال به تدریس و بحث پردازند (غنية، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ: ۱۲۱). همچین کتابخانه مدرسه زیرنظر کتابدار مخصوص، کتب موردنظر را در اختیار طلاب و استادان مدرسه قرار می‌داد و برای تعییرات مدرسه، خرد و استنساخ کتاب و تأمین سوخت و روشنایی، هزینه‌های لازم در نظر گرفته شده بود (کسانی، مدارس نظامیه: ۷۷). اهمیت کار نظام الملک که باعث ایجاد نهضت جدید شد کارهای اوست که مایه نظم و ترتیب تازه‌ی در مدارس گردید، داشتن سازمان اداری و آموزشی منسجم و برنامه ریزی شده و همچنین آنها را به صورت آموزشگاه‌های مرتب شبانه روزی در آورد که در آنها وسائل آسایش و تحصیلات طلب از بسیاری جهات فراهم شد. بر همین اساس تاسیس مدارس نظامیه آغاز نهضتی چشم گیر در گسترش دامنه مدارس اسلامی گردید و بسیاری از بزرگان علمی و سیاسی را بر آن داشت که به تأسی از روش خواجه نظام الملک به تاسیس مراکزی از این نوع مبادرت ورزند، چنانکه فاصله نیمه دوم قرن پنجم تا حمله مغول در نیمه دوم قرن هفتم در تاریخ علمی اسلام به وفور مدارس ممتاز و مشهور گردیده است.

## ۲- تأثیر نظامیه بر شکل گیری دانشگاه‌های قدیم اروپا

پیشینه نظام دانشگاهی جدید در غرب، نوعی کپی برداری و تقلید صوری از دانشگاهها و مدارس عالی علمی در جهان اسلام سده‌های گذشته بود. دانشگاهها و حوزه‌های مطالعاتی و علمی که علوم نقلی و عقلی و تجربی در آن آموخته می‌شد و دانشمندانی چند بعدی که فقیه و حکیم و در عین حال، پژوهش و ریاضیدان و مهندس بودند تحويل بشریت می‌داد. شکی نیست که نظامیه بغداد و دیگر مدارس نظامیه الگویی شدند جهت نظام اداری و آموزشی و برخی رشته‌های علمی دارالعلم‌های قدیم اروپایی. سالرنو در ایتالیا، قدیمی‌ترین دانشگاه اروپا، از تأثیر مدارس اسلامی خالی نبوده است. تاسیس مراکز بزرگ دیگر مانند دانشگاه بولونیا در ایتالیا و نیز دانشگاه‌های مونپلیه و آکسفورد که همه بعد از قرن دوازده میلادی به وجود آمدند مدتی بعد از دانشگاه‌های اسلامی بوده است. حتی بعضی از رسوم و الفاظ جاری در دانشگاه‌های اروپا مانند قرائت، سماع، اجازه و... به نظر برخی از محققان از رسوم و الفاظ مشابه معمول اسلامی اقتباس شده است. گیوم می‌نویسد: اگر دروسی را که مسلمین در قرن یازده و دوازده میلادی می‌خوانند با آنچه محصلین مسیحی در این قرن می‌خوانند مقایسه کنیم، می‌بینیم وجه تشابه بین آنها بیش از چیزی است که در ذهن ماست. همان تحصیل و مطالعه مرتب و منظم، ارتباط استاد با شاگرد، مسئله حقوق و جیره و اوقاف، انتظام و دیسیپلین، درجه و گواهی‌نامه‌های تعلیم و تربیت و فعالیت‌های زندگی دانش‌آموزی محقق‌ا در مراکز تحصیلی شرق و غرب، مانند بغداد و آکسفورد، بیش و کم یکی بوده است و با اقتباس عنایتی چون استادیار، دانشیار و استاد که امروزه استعمال می‌کنند، همان است که در نظامیه‌ها با لقب معید، نایب و مدرس استفاده کرده‌اند و حتی لباس سیاه پوشیدن و به هنگام درس بر روی صندلی نشستن از روش معمول در نظامیه‌ها اقتباس شده است (الماسی، ۱۳۷۹: ۳۲۱). تحت تأثیر دانشگاه‌ها و مدارس الامی، که نترین دانشگاه‌های اروپا به نام‌های «سالرنو»، «بولونیا»، «تاپل» و «پالرمو» در ایتالیا و «مونپلیه» در فرانسه و «آکسفورد» در انگلستان در سده ۱۲ و ۱۳ میلادی بنیان نهاده شدند (ویل دورانت، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۲۳۷). دانشگاه‌های اروپا در بسیاری از مسائل نظیر سبک معماری، دوره‌ی تحصیلات، روش تعلیم دانشجویان، برنامه‌های درسی، کتابهای مورد بحث و مسائل دیگر را از مراکز علمی جهان اسلام اقتباس و استفاده کرده‌اند (محمدی، ۱۳۷۳ ش، ص ۲۱۴). بدین روی، «دانشگاه‌های مسیحی از الگوی اسلامی دنباله روی می‌کردند» (جان برنا، ۱۳۵۳ ش، ص ۲۲۸).

## ۳- رشد دانش‌های مذهبی

خواجه نظام الملک در فقه شافعی و در اصول از مذهب اشعری پیروی می‌کرد (مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۴۳۱). برخورداری مدارس نظامیه از استادان بزرگی نظیر ابوسحاق شیرازی، امام الحرمین جوینی و امام محمد غزالی و اختصاص این مدارس به

پیروان مذهب شافعی، بر پیشرفت دامنه‌ی فقه شافعی افروز و اشتیاق روز افزون علاقمندان به حضور در حلقه درس این استادان، پای پیروان دیگر مذاهب را به این مذهب کشید.<sup>۳</sup> آثار مفیدی که غزالی در علوم دینی و مذهب شافعی از خود بجا گذاشت از مرزهای اسلامی فراتر رفت و در آثار دینی اروپای قرون وسطی نیز اثر بخشید.<sup>۴</sup> اندیشه‌های سیاسی و مذهبی نظام الملک در دوره آلب ارسلان و سپس در اوایل دوره ملکشاه، نقش مهمی در حکومت سلجوقی داشت. حکومت سلجوقیان از بسیاری از جهات با حکومت‌های قبل از خود تفاوت می‌کرد. این حکومت با بهره گیری از وجود اندیشمند سیاسی و آگاهی چون نظام الملک در مسیری قرار گرفت تا ایران را به کشوری مستقل و یک پارچه تبدیل نماید. اندیشه‌ایران شهری نظام الملک برگرفته از تفکر وحدت سیاسی در سایه وحدت دینی دوره ساسانیان بود. نظام الملک می‌خواست وحدت مذهبی را از طریق آموزش‌های مذهبی به انجام رساند. تأسیس مدارس نظامیه به همین منظور صورت گرفت تا مملک ایران را به وحدت سیاسی مطلوب نظر اندیشمندان سیاسی برساند. او قدم‌های محکمی در این راه برداشت و می‌خواست با تکیه بر مذهب شافعی و رسمیت بخشیدن به آن، «اختلافات مذهبی را به حداقل رسانده و در کارگزاران دولتی، همگونی فکری ایجاد نماید. خواجه نظام الملک با این ترفند که مدارس نظامیه به طلاب و مدرسین شافعی مذهب اختصاص دارد، می‌خواست علماء و آینده سازان مملکت سلجوقی را به این مذهب جلب نماید و همگونی فکری مورد نظرش را در جامعه به مرحله عمل در آورد، ولی اندیشه‌های سیاسی - مذهبی نظام الملک به اختلافات مذهبی دامن و محیطی خفغان آور و دور از آزادی فکر و اندیشه به وجود آورد که خطیب بیشتر از تشتبه آراء و افکار داشت، علمای شافعی در مسایل سیاسی دخالت می‌کردند تا آن جا که فقهای شافعی بغداد؛ از جمله ابوالحسن محمدبن علی بن ایی الصفر واسطی با کمک نظام الملک توانستند فخرالدوله ابونصر محمد بن محمد بن جهیر، وزیر خلیفه را عزل نمایند (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۸۷). مجالس وعظ و سخنرانی‌های مذهبی که در حقیقت برای تهییج افکار مذهبی مردم تشکیل می‌شد، تأثیر مهم شگرفی داشت و خواجه نظام الملک با آگاهی از این امر، از این مجالس برای ایجاد وحدت عقیدتی مورد نظر خویش استفاده می‌کرد و وجودشان را چنان الزامی می‌شمرد که آن را یکی از شروط وقف نامه قرار داده بود (ابن جوزی، ۶۶).

#### ۴- پیدایش ضوابطی خاص در امر آموزش

در لغت نامه‌ی دهخدا، آموزش عبارت است از عمل آموختن و تعلیم دادن (دهخدا، ۱۲۸۲). همچنین آموزش به معنی آموختن، یاد دادن و تعلیم و تربیت است. مدارس نظامیه نخستین مدارسی بوده‌اند که تدریس در آنها دارای ضوابط و قواعد خاصی بوده و انواع رشته‌های درسی در آن جا تدریس شده است. کسائی می‌نویسد: هیچ‌کس نمی‌توانست به‌طور دلخواه بدون اجازه در آن تدریس نماید، می‌بایست صلاحیت علمی و مذهبی و اجتماعی داشته باشد. تدریس در اوقات معین و با تشریفات خاص برگزاری می‌شد. مدرس به هنگام ارائه درس لباس مخصوص بر تن می‌نمود و بر کرسی تدریس می‌نشست و دو معید گفته‌های او را برای طلاب تکرار می‌نمودند و در صورت عدم دسترسی به مدرس ذی صلاح از وجود نایب استفاده می‌شد (کسائی، مدارس نظامیه، ۷۶). نظام الملک با تأسیس مدارس نظامیه به تحصیل دانش، نظمی بخشید. نظامیه‌ها و مدارس مشابه آنها - که از حمایت حکومت برخوردار بودند - کارگزاران و گردانندگان سازمان‌های اداری و اجتماعی آینده را تربیت می‌کردند. احراز مقام مدرسی در نظامیه‌ها به ویژه در بغداد منوط به صدور فرمان از جانب متولیات، سلطان و خلیفه بود (ابن جوزی، ۱۴۲/۱۰)؛ که احتمالاً با در نظر گفتن وابستگی‌ها و گرایش‌های سیاسی - مذهبی و توان علمی افراد صادر می‌شد. نظام الملک خود تا زمانی که در قید حیات بود، در عزل و نصب مدرسان دخالت مستقیم داشت، او خود در احوال دانشمندان جستجو می‌کرد و از دانش و سوابق هر یک می‌پرسید و برای جایگاه علمی افراد در این زمینه ارزشی بسزا قابل بود و ضمن

<sup>۳</sup> کسائی، نورالله، مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن، ص ۲۷۰، کسائی، نورالله، فرهنگ نهادهای آموزشی، ص ۴۶۷.

<sup>۴</sup> همان، ص ۲۷۰

در نظر گرفتن مذهب از این موضوع نیز غافل نبود همواره سعی داشت تا بر جسته ترین افراد را برای تدریس در نظامیه برگزیند و در این راه جهد بسیار نمود. برای مثال هنگامی که شیخ ابو اسحق شیرازی از تدریس در نظامیه بغداد به ظن غضبی بود آن امتناع کرد نظام الملک بر عمید ابن ابی سعید (نایب خواجه در ساخت نظامیه) پرخاش کرد و با اصرار زیاد رضایت ابواسحق را برای تدریس در نظامیه جلب کرد (ابن اثیر، الکافی التاریخ، ۱۶). تدریس در اوقات معین و با تشریفات خاص خود برگزار می‌شد. شیوه تدریس در نظامیه بر اساس روش "القا" و "عظ" انجام می‌گرفت که در آن مدرس لباس ویژه ای به نام "طرحه" بر تن می‌کرد و با جلوس کرسی مدرسی تدریس می‌کرد (کسایی، مدارس نظامیه، ۱۳۱) و هنگام تدریس، دو عیید گفته‌های او را برای طلاب تکرار می‌کردند در صورت دسترسی نداشتن به مدرسی شایسته نایب برای تدریس دعوت می‌شد (کسایی، مدارس نظامیه، ۷۶). یکی از اقدامات در خور توجه خواجه نظام الملک در اداره نظامیه ها گماردن بازرسانی جهت بررسی و گزارش عملکرد مدرسان و دانشجویان بود که به نظر می‌رسد هر چند تأثیر به سزاگیری در روند آموزشی و سهولت اداره نظامیه ها داشت، اما اقدام سریع و شتاب زده را در پی نداشت بلکه پس از بررسی صحت گزارش ها درباره آنها اقدام می‌شد. در «تجارب السلف» آمده است هنگامی که دربانان بر اساس وظایف خود، درباره اعمال خازن دارالكتب به خواجه گزارش دادند، نظام الملک ابتدا در این باره تحقیق و تفحص کرد و سپس به سامان آن پرداخت (نحوانی، هندوشاہ، ۲۷۰). در مدارس نظامیه برای انتخاب دانشجویان نیز به مانند استادان شرایط خاصی لحاظ می‌شد و اعتماد به فقه شافعی شرط اساسی بود. در مدارس نظامیه با تراز علمی بی نظیر، افرادی برای تحصیل برگزیده می‌شدند که پیش از حضور در این مدارس در حدود علوم زمان، دوره های آموزش ابتدایی را با موفقیت گذرانده باشند (کسایی، مدارس نظامیه، ۱۸۲). تدریس در نظامیه بغداد از همان ابتدا مطالعه و تحقیق دائم نیاز داشت، بعلاوه تبحر در مناظره را ایجاب می‌کرد که وسیله تفوق در آن، آشنایی با منطق و حتی فلسفه بود. با این همه در محیط فقه ها و اهل کلام، فلسفه به قدری منفور بود که به هیچ وجه نمی‌باشد آشنایی با فلسفه از اقوال و افکار فقیه و مدرس نظامیه ظاهر شود.

### تأثیرات منفی نظامیه ها

همانطور که در قسمت پیشین ذکر شد مدارس نظامیه تأثیرات مثبتی در قلمرو اسلام به وجود آورد، اما به مرور زمان به دلیل مشکلات داخلی که در حکومت سلجوقیان شگل گرفت، بسیاری از برنامه های نظامیه ها چندان مفید واقع نشد. بر این اساس مدارس نظامیه به مرور زمان پیامدهای منفی از خود بر جای گذاشتند؛ که در این قسمت به آنها اشاره خواهد شد.

### ۱ - شعله ور شدن مناشقات و منازعات مذهبی و فرقه ای

سیاست مبتنی بر تعصب مذهبی حاکمان و وزیران سلجوقی، به ویژه عمیدالملک کندری و خواجه نظام الملک طوسی، سبب دامن زدن به این اختلافات می‌شد. سختگیری و تعصب عمیدالملک کندری، وزیر طغول، نسبت به شافعیان سبب نتایج منفی بسیاری شد. او خود حنفی بود و به شدت از حنفیان حمایت می‌کرد و از سلطان اجازه لعن شیعیان را بر منابر گرفت (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۳۵۸/۸؛ بنداری، ۱۳۵۶، ۳۴؛ یافعی، ۱۳۹۰: ۷۷/۳). جمعی از حنبلیان نیز مورد بعض او قرار گرفتند. عاملان دولت به دستور وزیر شافعیان را تعقیب کرده و از تدریس باز می‌داشتند. این سیاست نه تنها در خراسان، بلکه در عراق نیز اعمال شد. بر این سیاست بسیاری از روسای مذهبی به زندان افتادند. ابوالقاسم قشیری و امام الحرمین جوینی از خراسان گریختند. امام الحرمین مدت چهار سال تا رفع فتنه در مکه اقامت گزید (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۱۹۰/۸). سخت گیری و فشار بر شافعیان تا زمان حیات طغول ادامه داشت اما پس از مرگ او و به وزارت رسیدن نظام الملک همه آن سختی ها برداشته شد. نظام الملک می‌خواست وحدت مذهبی را از طریق آموزش های مذهبی به انجام رساند. تأسیس مدارس نظامیه به همین منظور صورت گرفت تا مملکت ایران را به وحدت سیاسی مطلوب نظر اندیشمندان سیاسی برساند. او قدم های محکمی در این راه برداشت و می‌خواست با تکیه بر مذهب شافعی و رسمیت بخشیدن به آن، اختلافات مذهبی را به حداقل رسانده و در کارگزاران دولتی، همگونی فکری ایجاد نماید. خواجه نظام الملک با این ترفند که مدارس نظامیه بهد طلاق و مدرسین شافعی مذهب اختصاص

دارد، می خواست علماء و آینده سازان مملکت سلجوقی را به این مذهب جلب نماید و همگونی فکری مورد نظرش را در جامعه به مرحله عمل در آورد، ولی اندیشه های سیاسی - مذهبی نظام الملک به اختلافات مذهبی دامن زد و محیطی خفقان آور و دور از آزادی فکر و اندیشه به وجود آورد. در درون دولت سلجوقی، همواره مذاهب حنفی و شافعی به عنوان دو جریان رقیب حضور داشتند. جناح حنفی با توجه به حنفی مذهب بودن سلاطین سلجوقی، اکثریت ترکان و هم چنین الکندری وزیر، در ابتدا قدرت را در دست گرفت اما وزارت خواجه نظام الملک و سقوط الکندری، در واقع موهبتی غیرمنتظره برای جناح رو به زوال شافعی در حاکمیت سلجوقی بود؛ اما چالش مهم خواجه نظام الملک این بود که وی به عنوان یک شافعی اشعری مبارزه با حنفی مذهبیان را جزئی از سیاست خود می دانست (زرین کوب، ۱۳۸۱، ۴۹). در حالیکه مخدومان ترکمان وی حنفی مذهب بودند. خواجه خود در سیاست نامه از ترس و واهمه اش از اقدام غیرقابل پیش بینی آلب ارسلان در قبال شافعیان سخن گفته و به خاطر همین دل نگرانی همواره مصلحت دیده است که در کنار مذهب شافعی از مذهب حنفی نیز - علی رغم میل باطنی - به عنوان مذهب حقه نام برد (نظام الملک، ۱۳۷۲، ۲۳۴ و ۱۲۹). خواجه، به دلیل گرایش به مذهب شافعی، به فقهاء و متکلمین شافعی اجازه وعظ داده و آن ها از ایراد سخترانی درباره ای کلام اشعری منع نمی کرد. این سیاست خواجه، رقابت و دشمنی علماء و روسای مذاهب سنی به ویژه حنبله را بیشتر و آنان را با یک دیگر درگیر می کرد. به دنبال ورود هر عالم اشعری مسلک به بغداد و ایراد وعظ در حمایت از کلام اشعری، حنبله در صف مقدم مخالفان وی قرار گرفته و شهر را به آشوب می کشاندند. سال ۴۹۵ ه سخنان عیسی بن عبدالله قونوی، عالم اشعری موجب منازعه حنبله و اشعره شد. منازعات حنفی و شافعی در نیشابور، نشان می دهد که اگرچه این منازعات در ابتدا مانع از اتحاد حنفی ها و شافعی ها در برابر حملات غزها از شرق ایران به نیشابور نبود، به تدریج دامنه درگیری ها جناحی چنان بالا گرفت که در واکنش به حمله جدید غزها به نیشابور در نیمه دوم قرن ششم هجری طرفداران این دو طریقت بجا اتحاد در برابر مهاجمان چنان به جان هم افتادند که ویرانی وسیعی به بار آورد. نیشابور با چنان شدتی تخریب شد که مردم چند سال بعد ناگزیر شهر جدیدی در نزدیکی ویرانه های شهر قدیم بنا کردند (بولیت، ۱۹۷۹).

## ۲- بی توجهی به برخی علوم از جمله ریاضیات، فلسفه و مبارزه با فلسفه

با قدرت رسیدن سلجوقیان و تسلط دوباره مذهب تسنن بر سرزمین های اسلامی، علوم نقلی بر علوم عقلی برتری یافت و بیستر پیروان مذهب تسنن نیز معتقد به جبر بودند. این بینش مذهبی به زودی تأثیرش را روی جامعه گذاشت، پیکار شدید با فلسفه در همین عصر آغاز شد و پرچمدار این حرکت ضد فلسفی نیز ابو حامد محمد غزالی بود. غزالی علاوه بر فقه و کلام در فلسفه نیز تبحر داشت؛ اما او فلسفه را از آنروآموخته بود تا بتواند بهتر با آن مبارزه کند. البته اگر غزالی، تنها به مباحثه با فلاسفه و انتقاد سازنده قناعت می کرد و تنها یونان زدگی را نفی می نمود و مثلاً مسلمانان را از پیروی کورکورانه از فلسفه ارسسطو منع می کرد، هیچ مشکلی پیدا نمی شد و شاید هم با این انتقاد سازنده راه دیگری را در جستجوی حقیقت می گشود؛ اما غزالی نه تنها راه دیگری در فلسفه پیشنهاد نکرد، بلکه به نفع تصوف و عرفان موضع گیری کرد و چون خود روحانی برجسته ای بود تأثیر فراوانی بر اندیشه زمان خود گذاشت. از این زمان است که گرایش به فلسفه رو به کاهش می رود، در حالی که گرویدن به عرفان و تصوف رونق می یابد. غزالی نه تنها فلسفه را از رونق انداخت، بلکه به تحصیل علوم عقلی نظری ریاضیات نیز لطمه فراوان وارد کرد. مثلاً در فاتح العلوم خود در این باره چنین نوشته است: «همچنان است نظر کردن در علم اقليدس و مجسطی و دقایق حساب و هندسه و ریاضیات که موجب بیداری ذهن و نیروی علوم اولیل هستند و در ورای آنها مذاهب فاسد واقع شده اند» (حنالفاخی و دوستان، ۱۳۶۹، ۳۵۰). در این زمان بود که دشمنی با فلاسفه و علماء و ریاضیدانان به بهانه احیای دین شروع شد. جرج سارتن در مقدمه ای بر تاریخ علم با آن که این دوره را ادامه عصر زرین سده های سوم و چهارم می داند معتقد است که انحطاط مشهودی در کمیت و کیفیت فعالیت های علمی این دوره وجود دارد (سارتن، ۸۴۴). انحطاط علوم عقلی از دید تاریخ نگاران در این دوره تا حد زیادی به رواج تعصب مذهبی و غلبه اهل سنت و مخالفتی که در این دوره با فلسفه شده است، مربوط می گردد. ذبیح الله صفا آغاز این انحطاط را از زمانی می داند که متعصبان اهل سنت و حدیث و فقهاء

توانستند فلاسفه و حکما و علمای معتزله را در بغداد شکست دهند. در ایران نیز با تسلط ترکان غزنی و سلجوقی، تعصب مذهبی جای آزادی عقاید را گرفت و صاحبان آراء فلسفی مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند (صفا، ۱۳۶-۱۳۴/۱). نور الله کسایی نیز صراحت معتقد به رکود سیر اندیشه و انحطاط فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره سلجوقی است. وی این رکود را نتیجه تمرکز قدرت و از بین رفتن مراکز متعدد سیاسی و علمی، رسمی کردن یک مذهب که نظام الملک بی دریغ از آن حمایت می کرده و تحمیل یک روش فکری خاص می داند (کسایی، ۱۹). صفر یوسفی با اشاره به جهت گیری های مذهبی سلجوقیان، این دوره را گرفتار رکود و فترت در علوم عقلی معرفی می کند و دلایل متعدد دیگری را نیز بر می شمارد که همگی سبب رکود علوم عقلی در این دوره شده است. وی تسلط جریان های خودگیری و خردسازی را که سبب سرکوب عقل و منطق و بعدها سبب سرکوب ریاضیات و طبیعتیات شده، یکی از عوامل اصلی این رکود می داند (یوسفی، ۲۰۰-۱۷۳). سخت ترین ضربه را ابوحامد محمد غزالی طوسی (۴۵۰-۵۰۵ ق)، متكلم بزرگ اشعری، به فلسفه وارد کرد و بیشتر مسائل این علم را تخیلات و اوهام دانست. او در کتاب معروف «تهافت الفلاسفه» به آرای فارابی و ابن سینا در الهیات حمله کرد و بسیاری از آنها را مخالف وحی دانست. او در این کتاب عمدۀ اشتباهات فلاسفه را در بیست مسأله دانست که در هفده مسأله آنان را بدعت گذار شمرد و در سه مسأله آنان را تکفیر کرد و آن سه یکی اعتقاد آنان به معاد روحانی و انکار معاد جسمانی است، دوم اینکه می گویند خداوند علم به کلیات دارد نه جزییات و سوم اینکه اعتقاد به قدم و اژلیت عالم دارند. غزالی در کتاب «المنقد من الضلال» درباره ریاضیات می گوید: در ریاضیات «از امور دینی نفیا و اثباتا در آن بحث نمی شود، بلکه مسائل برهانی است و پس از درک و فهم انکارناپذیر می باشند. از این علم ممکن است دو خطر پدید آید، یکی از آن دو خطر قبول مطلق و آن چون کسی به آموختن آن پردازد و به دقایق و استحکام مسائل و دلایل آن وقوف یابد حسن عقیده ای درباره فلاسفه، پیدا خواهد کرد و چنین می پندراد که تمام علوم و مسائل فلسفی چون علم ریاضی روشن و براهین آن بدین وجه محکم و اطمینان بخش است، سپس وقتی سخنان کفرآمیز و رفتار و بی مبالغه آنان را نسبت به دین، از دیگران شنید، بصرف تقليید، کورکورانه، او نیز کافر می گردد و می گوید: اگر دین حق بود، این دانشمندان بزرگ و محقق به آن معتقد بودند؛ و چون شنیده است که آنان دین را نفی و انکار کرده اند، می گوید پس حق این است که دین و شرعی وجود ندارد. من خود کسان بسیاری دیدم که با همین پندر و استدلال غلط گمراه شده و از راه حق منحرف گردیدند...[و به چنین کسی بی تأثیر است گفته شود:] بیان قدما در مسائل ریاضی برهانی بوده، لیکن در مسائل الهی تخمینی و تقریبی است... این است آفت و خطر بزرگی که از فلسفه ریاضی حاصل می شود و برای جلوگیری از این خطر باید طالبان این علم را از تحصیل آن بازداشت؛ زیرا هرچند مسائل آن بالذات ربطی به دین ندارد لیکن چون از مبادی و مقدمات فلسفه است، مغاید و مضار فلسفه را به معتقدات دینی می کشاند. کمتر کسی است که در این علم به تفحص و تحقیق پردازد و سرانجام بی دین نگردد و لگام تقوا از سرش گسیخته نشود (غزالی، ۱۳۳۸، ص ۵۰-۴۹).

### ۳- عدم آزادی اندیشه، افکار و انحصار دانش

با شروع نیمه دوم قرن پنجم هجری / اواخر قرن ۱۱ میلادی و قدرت گرفتن سلجوقیان با داشتن وزرای قدرتمند اما متعصبی مانند ابونصر منصور بن محمد کندری و سپس خواجه نظام الملک آزادی عقیده و مذهب از میان رفت. خواجه نظام الملک که پیرو مذهب افعی و طریقۀ اشعری بود با تعصب بسیار تنها مذهب شافعی و حنفی را پاک و درست می پنداشت. این تعصب تا به حدی بود که نظامیه ها و بقیه مدارسی را که در امپراتوری سلجوقیان تأسیس شد، به علماء و پیروان این «مذهب پاک» اختصاص داد. علاوه بر این، نظام الملک در دوره سی ساله وزارت خود از هیچ کوششی در از بین بردن قدرت امرای محلی و حکام ایالت ها و ایجاد حکومتی متمرکز فرو گذار نکرد. این گونه بود که قدرت امپراتوری سلجوقیان بسیار گسترش یافت، از چین تا مدیترانه، اما قدرت تفکر و آزادیت فکر از مردم و بزرگان علم سلب شد و مقدمات فروپاشی این امپراتوری از یک طرف و مقدمات انحطاط در ایران و در مجموعه سرزمین های اسلامی فراهم آمد. نماد این تحديد آزاداندیشی نظامیه ها بودند. خواجه نظام الملک، شاید به منظور مقابله با فعالیت فرهنگی اسماعیلیان، مدرسه هایی در شهرهای گوناگون امپراتوری تأسیس

کرد. در عمل در هر شهری که کسی را با شهرت علمی می یافت، مدرسه‌ای بنا می کرد و موقوفاتی برای آن مدرسه دایر می ساخت؛ البته شهرت علمی برای او به معنی شهرت در علوم طبیعی مانند پزشکی و نجوم یا منطق و فلسفه نبود، حتی مطلق علوم دینی نبود، بلکه تنها شهرت در مذهب شافعی و حنفی بود. این چنین شد که قدرت گیری سلجوقیان ترکیب شد با حاکمیت تعصب در یک قرائت مذهبی نزدیک به اشاعره؛ رشد کشورداری و نظامی گری و کنترل حکام محلی با دستگاه اطلاعات وسیع همگام شد و مدارس با محدودیت شدید آزاداندیشی و محدودیت خرد و ایجاد مانع برای حتی آموزش علوم طبیعی و عقلی، چه رسد به تشویق و توسعه آن، منع شدن از آموزش طبیعیات و فلسفه؛ و این موثرترین گام ناخواسته بود در ایجاد مانع برای رشد جوامع اسلامی. خواجه نظام الملک با شیعیان نیز برخوردهای حاد و ناشایستگی داشته که نمونه هایی از آن در سیاستنامه منعکس گردیده است (ر.ک سیاستنامه ص ۲۱۰). لذا چون نظامیه صرفاً به منظور اشاعه و تقویت مذهب شافعی تأسیس گردیده بود، چه بسیار دانشمندانی که از هر جهت شایستگی تدریس در این مدرسه عالی را داشتند ولی تنها به خاطر شافعی نبودن از تدریس در نظامیه محروم بودند و چه بسا مدرسانی که در حین خدمت از نظر مذهبی مورد سوء ظن تعقیب قرار گرفتند.

### نتیجه گیری

با تشکیل امپراتوری سلجوقی، بر پیچیدگی ساختارهای جامعه ایران افزوده شد. ایران در این دوره در اوج اختلافات مذهبی به سر می برد. خواجه نظام الملک طوسی کوشید تا در قالب مدارس نظامیه و در پرتو سیستم آموزشی، یکپارچگی و انضباط عقیدتی ایجاد کند و اما با توجه به سیاستهای خواجه نظام الملک، در این مدارس، به علوم عقلی بی توجهی شد و فقه و مذهب شافعی، مذهب رسمی شناخته شد و علوم شرعی محض، چون فقه، حدیث و تفسیر محور قرار گرفت؛ که این امر جامعه را دچار توفان اختلافات مذهبی کرد. از این‌رو از دانشمندان ایرانی آنانی که به دیگر مذاهبان معتقد بوده‌اند مجال تدریس نیافتند و این امری است که متأسفانه در ایران در سده‌های گذشته باعث شده که جنگ و درگیری‌های خانمانسوز گریبانگیر ایرانیان شود و در بردهایی که ایرانی باید متحد می‌شد تا در مقابل حمله ترکان یا صلیبیون مقاومت کند در داخل درگیر فتنه‌های مذهبی بود.

### -۱۴- منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، علی هاشمی حائری، تهران؛ علمی.
۲. ابن اثیر، عزالدین، (۱۴۱۷). الكامل فی التاریخ، تحقیق عمر عبدالسلام تمدّری. بیروت: دارالکتب العربی.
۳. ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم، حیدآباد؛ دایره المعارف عثمانی، ۱۳۵۹.
۴. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدسن، فیات الاعیان ... تحقیق احسان عباس. قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
۵. ابن فوطی بغدادی، کمال الدین، الحوادث الجامعه فی المایه السابعه، بغداد، مطبوعه الفرات ۱۳۵۱ ق.
۶. ابن کثیر، البدایه و النسایه، به کوشش یوسف الشیخ محمد البقاعی و صدقی حمیل العطار، (بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۸ م)، ج ۷، ص ۳۲۸.
۷. الماسی، علی محمد؛ تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹.
۸. برناں، جان، (۱۳۵۴ ش)، علم در تاریخ، ترجمه اسدپور پیرانفر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. بنداری، فتح بن علی، (۱۳۵۶). زیده النصره و نخبه العصره. ترجمه محمدحسین جلیلی کرمانشاهی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۰. حنالفارخی. خلیل الجر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۹، ص ۳۵۰.
۱۱. دورانت، ویل، (۱۳۶۷ ش)، تاریخ تمدن عصر ایمان (بخش دوم)، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران؛ سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۱، فوار از مدرسه، تهران، امیر کبیر، چاپ هفتم.
۱۳. سارتان، جورج، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین افشاری، تهران، دفتر ترویج علوم وزارت علوم و آموزش عالی، بی تا.

۱۴. سبکی، طبقات الشافعیه الکبری، ۱۲۹۹ ق، چاپ مصر، ج ۳، ص ۱۳۶
  ۱۵. صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱ ش.
  ۱۶. غزالی، ابوحامد محمد، المتقذ من الضلال، مترجم: زین الدین کیایی نژاد، تهران، ۱۳۳۸
  ۱۷. غنیمه، عبدالرحیم؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی؛ ترجمه نورالله کسائی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
  ۱۸. کسائی، نورالله؛ مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴
  ۱۹. محمدی، ذکرالله، (۱۳۷۳). نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، قزوین: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
  ۲۰. نجفیانی، هندوشاہ، تجارب السلف، عباس اقبال، تهران: طهوری، ۱۳۲۴
  ۲۱. نظام الملک، ابوعلی حسن طوسی، ۱۲۷۲، سیرالملوک (سیاست نامه)، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
  ۲۲. یافعی، عبدالله ابن اسد (۱۳۹۰). مرآه الجنان و عبره اليقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
  ۲۳. یوسفی، صفر، ((علل رکود علوم عقلی در عصر سلجوقیان))، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، ش ۲۰، ۱۳۸۸ ش.
24. Bulliet, Richard W, *The Patricians of Nishapur: A Study In Medieval Islamic Social History*, American Council of Learned Societies, Harvard University PRESS, 1972.

## Positive and negative effects Nezami

Saied Moradi

*High school counselors first period Talent martyr Ahmadi Roshan, city Qorveh, Kurdistan, Iran*

---

### Abstract

With some features exclusively establish Nizamiyya school at the beginning of the second half of the fifth century, By Seljuk minister Nizam al-Mulk Tvsy- that scholars and writers of the period are Rft-Positive and negative influences important in the realm of Islam, which in many ways can be investigated. This article aims to discuss the positive and negative effects and examine.

**Keywords:** Nizam al-Mulk Tusi, Nizamiyya, Seljuks, education

---